



فلسفه، تکرار سخن گذشتگان نیست / روشنفکر به مفهوم واقعی نداریم

یثربی، نویسنده کتاب «ماجرای غم انگیز روشنفکری در ایران» با بیان اینکه برخی به اشتباه فکر می‌کنند روشنفکری یعنی ضدیت با حاکمیت، گفت: روشنفکر باید فکر ارائه بدهد، فکری که زندگی را تغییر دهد.

یثربی، نویسنده کتاب «ماجرای غم انگیز روشنفکری در ایران» با بیان اینکه برخی به اشتباه فکر می‌کنند روشنفکری یعنی ضدیت با حاکمیت، گفت: روشنفکر باید فکر ارائه بدهد، فکری که زندگی را تغییر دهد.

سید یحیی یثربی، استاد فلسفه و کلام اسلامی درباره همگانی کردن فلسفه در جامعه به خبرنگار مهر گفت: در جامعه ما این طور جا افتاده که فلسفه عبارت از مطالبی است که برای مثال ابن سینا یا ارسطو گفته اند و اینها به زندگی امروز ما بی ربط یا کم ربط هستند. درحالی که این برداشت ما از فلسفه نادرست است. برای روشن شدن این مطلب قبل از تعریف فلسفه مثالی می‌زنم. ۴ قرن پیش در شرق و غرب فیزیک ارسطو را درس می‌دادند. ابن سینا و ملاصدرا هم همین را گفته اند ولی آیا می‌توان این فیزیک را اکنون به مردم درس داد؟ با این فیزیک نمی‌توان مشکلات زندگی امروزه را حل کرد، چون سنتی و قدیمی است و نگرش سطحی دارد. ولی آن زمان این کار را کرده اند ولی اکنون لازم نیست ما آنها را تکرار کنیم الان فیزیک جدید را همه ما می‌خوانیم. اما نه به عنوان فیزیک جدید، بلکه خودمان روی آن کار می‌کنیم و از راه آزمون و خطا آن را می‌پذیریم.

این استاد فلسفه تصریح کرد: گذشتگان ما هم چیزهایی را در مورد جهان گفته اند که ما نباید آنها را تکرار کنیم، آنها در زمان خودشان تلاش کردند این جهان را بشناسند و آن قدر شناختند، چون امکاناتی که ما داشتیم را آنها نداشتند. بنابراین، فلسفه یعنی شناخت جهان ولی هر کسی باید بر اساس امکاناتی که دارد خودش آن را بشناسد، برای مثال ارسطو و ملاصدرا گفته اند آب عنصر است، ولی خودت چه می‌گویی و باید بررسی کنی، ببینی این طور هست یا نه؟

یثربی با تأکید بر اینکه فلسفه وقتی همگانی می‌شود که ما تفکر فلسفی را همگانی کنیم، ادامه داد: فلسفه به سراغ واقعیت می‌رود و نباید به نظرات فلاسفه گذشته در این خصوص اکتفا کرد، بلکه باید به شخص فرصت دهیم خودش فکر کند، اکنون در جامعه ما خرافات خیلی جا باز کرده و حتی در میان بعضی از مسئولان هم دیده می‌شود، اما تفکر فلسفی یعنی اینکه در مورد هر موضوعی خودمان بررسی کنیم که درست است یا خیر؟ این یک راه برای همگانی کردن فلسفه است. باید انسان‌ها حق داشته باشند در مورد هر موضوعی خودشان فکر کنند. امروزه بشر متوجه شده که دانش مثل دعا نیست که ما بخوانیم و حاجتمان روا شود. دانش باید مشکلی از مشکلات ما را حل کند ولی ما به این نکته توجه نداریم که باید خودمان به هر موضوعی فکر کنیم.

روشنفکری به معنای ضدیت با حاکمیت نیست

مؤلف کتاب عرفان عملی در اسلام اظهار کرد: فلسفه دو خاصیت دارد؛ یکی اینکه خود شخص به موضوع فکر کند و دیگر اینکه نگاه و تفکرش به زندگی اش طوری باشد که ببیند چه چیزی را بپذیرد و چه چیزی را نپذیرد و سیاست، اقتصاد و دین جامعه اش برایش مهم باشد. چندی پیش در مقاله ای از من انتقاد شده بود که از هر فرصتی برای انتقاد از مسیحیت استفاده می‌کنم و حتی نوشته بودند که من از نزدیکان دولت هستم. من در جوابی برایشان نوشتم که من کجا نزدیک به دولت هستم؟ من در زندگی ام هیچ کاری را به دستور انجام نداده و همیشه کار خودم را انجام داده‌ام. چون معتقدم فکر روشن مشکلی برای بشر به وجود نمی‌آورد. من کتابی در این خصوص نوشته‌ام به نام «ماجرای غم انگیز روشنفکری در ایران» و در آن افسوس خورده‌ام که در جامعه ما روشنفکری وجود ندارد. برخی به اشتباه فکر می‌کنند اگر کسی ضد دولت حرف بزند می‌شود روشنفکر، در حالی که روشنفکر باید فکر ارائه بدهد، فکری که زندگی را تغییر دهد. روشنفکران غرب در عرض ۱۰۰ سال دنیای قدیم را به دنیای جدید تبدیل کردند، اما ما چون روشنفکر به مفهوم واقعی نداریم در این ۱۰۰ و ۱۵۰ سال اخیر هیچ کاری نتوانسته‌اند بکنند. به طوری که جامعه کنونی خرافی تر شده است، وضع اخلاق و ارزش‌ها رو به افول رفته است.

عضو سابق هیئت علمی گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی تأکید کرد: همگانی شدن فلسفه یعنی همه مردم عقل خود را به کار بگیرند. همه باید عقل خود را روشن و درست به کار گیرند و فریب حرف‌های دیگران را نخورند. برای مثال چندی پیش، همین سوال که «علم دینی می‌شود یا نه؟» بحث برانگیز شده بود، عده ای می‌گویند، می‌شود و عده ای می‌گویند، نمی‌شود. نمی‌شود، نمی‌شود. عده ای فرصت طلب هم زمانی می‌گفتند، می‌شود و الان می‌گویند؛ نمی‌شود! باید

این مفاهیم فلسفی برای مردم معنا شود و به مردم بگویند علم را دینی کردن یعنی چه؟ چون پاسخ آن برای بسیاری مشخص نیست. علم دینی نمی شود یعنی ما فرمول های علمی را نمی توانیم دینی کنیم. مگر جغرافیا نقشی در علم دارد؟ نه ندارد. ولی چون مردم آنجا حرکت کردند و به تکنولوژی جدیدی رسیدند می گوئیم دانش و تکنولوژی غرب. اگر این کار را ما می کردیم ما به آن دانش و تکنولوژی اسلامی می گفتیم. بنابراین همگانی شدن فلسفه یعنی همه فکر کنند و درست فکر کنند و دنبال مطالبی باشند که مشکلی از مشکلاتشان را حل کند و به دردشان بخورد.

تفکر فلسفی باید چون و چرا داشته باشد

یثربی با اشاره به ویژگی های تفکر فلسفی ادامه داد: تفکر فلسفی یک ویژگی عمومی دارد و آن این است که بنیادی بوده و چون و چرا در آن باشد. اکنون همه می شنویم که می میریم ولی وقتی فکر کنیم که مرگ چیست، این تفکر حالت فلسفی پیدا می کند. حال چه پاسخ آن را پیدا کنیم و چه پیدا نکنیم. دومین ویژگی تفکر فلسفی این است که به مسائلی بپردازد که آن مسایل را با چشم و عقل و هوش خود آن را بفهمد و چیزهای مبهمی در آن نباشد. بنابراین این تفکر نباید جنبه تقلید داشته باشد و هر کس با عقل خود باید بتواند آن را بفهمد. در یک کلام فلسفه از علوم حقیقی است، یعنی روی واقعیت ها بحث می کند و تقلید از عقل دیگران نیست. در حالی که فلسفه ما همه تقلید است و می گوئیم ملاصدرا گفت، کانت گفت و ... ولی «من می گویم» وجود ندارد. من حدود ۴۰ سال تدریس کرده ام و متأسفانه در پایان نامه های دانشجویی هرگز سعی نمی شد دانشجوی خودش حضور داشته باشد، همه اش نقل قول از دیگران بود. باید دید شما به عنوان یک انسان، انسان روزگار خودت چه می گویی؟ پس تفکر فلسفی باید چون و چرا داشته باشد و تقلیدی نباشد، بلکه اندیشه خود شخص باشد. اسلام هم در اصول دین این را از ما خواسته که هر شخصی باید خودش بفهمد و اینکه پدرم، مادرم یا استادم گفت؛ همه تقلید است و هر کس باید خودش مسایل زمانه اش را بفهمد.

سید یحیی یثربی در پایان با انتقاد از عملکرد رسانه ها برای ایجاد تفکر درست در مردم گفت: متأسفانه اکنون رسانه های ما فقط تلاش می کنند، مردم را سرگرم کنند و در سرگرم نگه داشتن مردم گاهی رسانه های بیگانه از ما جلو می زنند، در حالی که باید تلاش کنیم وقت رسانه ها را برای توسعه فکر و و ذهن مردم خود صرف کنیم. در این جامعه برای درست اندیشیدن مجال داریم و مشکل ما مشکل دولت نیست و کسی هم جلودار این کار نیست.

مهرنوش محمدزاده